

فارسے پایہ دہم



ستایش: به نام کردگار - چشمه - خلاصه دانش‌ها

درس‌نامه

چشمه و سنگ

لغت

معانی واژه‌های مهم درس:

(غُلغله‌زن: شور و غوغاکنان)، (تیزی: شتابنده، سریع)، (معرکه: میدان نبرد، میدان جنگ)، (گلبن: بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل)، (شکن: پیچ و خم زلف)، (تابناک: روشن، درخشان)، (گریبان: یقه)، (حامل: حمل کننده)، (پیرایه: زیور)، (بrazندگی: لیاقت، شایستگی)، (همسری: برابری)، (نمط: روش، نوع)، (زهره در: ترسناک)، (یله: رها، آزاد، یله دادن: تکیه دادن)، (ورطه: مهلکه، زمین پست، هلاکت)، (خیره: سرگشته، حیران، فرومانده، لجوج، بیهوده)، (فرج: گشایش، گشایش در کار و مشکل)، (قفا: پس گردن، پشت گردن، پشت)، (مفتاح: کلید)، (نادره: بی‌مانند، بی‌نظیر)، (نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی: در متن درس، مقصود از «پردۀ نیلوفری»، آسمان لاجوردی است)، (هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم)

املا

واژه‌های مهم املائی:

غُلغله‌زن - صدف - حامل - Brazندگی - نمط - غرور - بحر - زهره در - ورطه - حقارت

دستور

ساختار جمله‌ها:

- نهاد + فعل ← کبوتر پرید.
- نهاد + مفعول + فعل: چشمه، هنگامه دریا را دید.
- نهاد + متمم + فعل: چشمه به دریا نگریست.
- نهاد + مسند + فعل: گل از شوق تو خندان است.
- نهاد + مفعول + متمم + فعل: پسرک، خنده‌کنان گل‌ها را به ما داد.
- نهاد + مفعول + مسند + فعل: بوی زلفت، مرا گمراه عالم کرد.
- نهاد + متمم + مسند + فعل: مردم ایران، به غلامرضا تختی، «جهان پهلوان» می‌گویند.

آرایه‌های ادبی

- **حس آمیزی:** آمیختن دو یا چند حس در کلام است به گونه‌ای که بر تأثیر کلام بیفزاید و سبب زیبایی سخن شود.
- مثال: از همه شیرین سخنی گوش ماند.
- **مجاز:** هر واژه، یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیراصولی آن، معنای مجازی می‌گویند. کلمه‌ای که در معنای غیرحقیقی به کار رفته باشد، «مجاز» نامیده می‌شود. مثال: سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی: «سر» مجاز از قصد و اندیشه است.

تاریخ ادبیات

- نیما یوشیج (علی‌اسفندیاری)، شاعر معاصر است.

ستایش: به نام کردگار

لغت

معانی واژه‌های مهم درس:

(افلاک: ج فلک، آسمان، چرخ)، (فضل: بخشش، کرم، نیکویی، دانش)، (رزاق: روزی دهنده)، (زهی: آفرین)، (کام: سقف دهان)، (فروغ: روشنی)، (فضل: بخشش، کرم، نیکویی، دانش)، (کام: سقف دهان، مجازاً دهان، زبان)

املا

واژه‌های مهم املائی:

زهی - فروغ - وصف - رزاق

دستور

- زهی: «شبه جمله» است، در شمارش جمله‌ها، یک جمله محسوب می‌شود.
- «ی» اسنادی: تویی (= تو هستی) ←

تو	رزاق هر پیدا و پنهان	هستی.
نهاد	گروه مسندی	فعل

- آیی پدیدار: پدیدار شوی ←

تو	پدیدار	آیی (= شوی)
نهاد محذوف	مسند	فعل اسنادی

- ترکیب‌های وصفی: هفت افلاک، عجایب نقش‌ها، رنگ‌های بی‌شمار، هر وصف، آن وصف و ...

آرایه‌های ادبی

- **تلمیح:** بیت اول، اشاره به آفرینش انسان
- **تضاد:** پیدا و پنهان، دانا و نادان، آشکار و نهان
- **مجاز:** «کام» مجاز از دهان، «خاک» در بیت پنجم، مجاز از طبیعت
- **تشخیص:** خندیدن گل / کنایه: «پرده برداشتن» کنایه از آشکار کردن

تاریخ ادبیات

- الهی‌نامه، اثر عطار نیشابوری، شاعر و عارف قرن ششم است.

معنی و مفهوم

مفاهیم کلیدی درس:

- **قدرت خداوند در آفرینش‌گری انسان و جهان:**
به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک
- **درخواست فضل و عنایت الهی:**
الهی، فضل خود را یار ما کن / ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
- **نا توانی انسان از توصیف عظمت پروردگار:**
هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی / یقین دانم که بی‌شک، جانِ جانی
- **آفرینش‌گری و روزی‌رسانی خداوند:**
تویی رزاق هر پیدا و پنهان / تویی خلاق هر دانا و نادان

معنی و مفهوم

مفاهیم کلیدی درس:

● چشمه: نماد انسان‌های مغرور و خود شیفته، «سنگ» نماد انسان‌های بی‌حرکت و ایستا، و «دریا» نماد انسان‌های بلندمنش و بزرگ و آرام هستند. غرور و خودشیفتگی چشمه:

گفت: در این معرکه یکتا منم / تاج سر گُلین و صحرا، منم
ابر ز من، حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد
در بُن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری
● کاربرد واژه «راست» به معنای «عیناً، دقیقاً و ...»:

راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله
● کاربرد ترکیب «پرده نیلوفری» در معنای «آسمان لاجوردی»:
در بُن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
● به کمال رسیدن و بلندی یافتن به واسطه تواضع و فروتنی:
بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد.
● سرگشتگی و خاموشی چشمه در مقابل عظمت دریا:
لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند

خلاصه دانش‌ها

لغت

معانی واژه‌های مهم درس:

(تحصیل: به دست آوردن، کسب کردن)، (روزی: رزق، توشه، نصیب)، (هوا: میل نفس، هوس)، (خصلت: منش، خوی، سرشت)، (حکمت: علم، دانش، دانایی)

املا

واژه‌های مهم املائی:

تحصیل - حلال و حرام - هوای نفس - خصلت

آرایه‌های ادبی

● تضاد: حلال و حرام، راست و دروغ

تاریخ ادبیات

● «خلاصه دانش‌ها» از کتاب داستان‌های صاحب‌دلان، به کوشش محمدی اشتهاردی انتخاب شده است.

معنی و مفهوم

مفاهیم کلیدی درس:

● تأکید بر راست‌گویی:

تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.

● به دنبال روزی حلال بودن:

تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم.

● نکوهش عیب‌جویی:

تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم.

● روزی خواستن از درگاه خداوند:

تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.

● غافل نبودن از هواهای نفسانی:

تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.

املا و لغت

صفحه ۱۰ تا ۱۶ فارسی ۱

پیمانه ۱

تست ۱۰

پیمانه ۱

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۱. ۱- چند واژه از واژه‌های زیر نادرست معنا شده‌است؟

(فضل: بخشش)، (ورطه: اقبانوس)، (فروغ: پرتو)، (گلبن: بوتۀ گل)، (معرکه: جای نبرد)، (نمط: روش، نوع)

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۲. ۲- معنای چند واژه، درست است؟

(زهی: ادات تحسین)، (شکن: گردی صورت)، (پیرایه: زیور)، (بن: بیخ)، (غلغله‌زن: شور و غوغا کنان)، (زهره‌در: حریم)

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۳. ۳- معنای «راست» در کدام بیت، با معنای این واژه در بیت زیر برابر است؟

«راست به مانند یکی زلزله / داده تنش بر تن ساحل یله»

(۱) وصف رخ چو ماهش در پرده راست نماید
(۲) شیخ شیوخ عالم است آن که تو راست نومرید
(۳) آمد ندای بی‌چون نی از درون نه بیرون
(۴) به دست راست بگیر از هوا تو این ننامه

مطرب بزن نوایی ساقی بده شـرابی
آن که گرفت دست تو خاصیک (نام شخصی مکار) زمان بود
نـی چپ نی راست نـی پس نی از برابر آمد
نه کـودکی که ندانی یـمین خود ز شمال

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۴. ۴- معنای چند واژه، نادرست است؟

(کام: سقف دهان)، (معرکه: میدان جنگ)، (تعَلَل: درنگ کردن)، (قفا: روبه‌رو)، (فروغ: پرتو)، (نمط: روش)، (ورطه: مهلکه)، (یله: رها)،

(زهی: آفرین)، (هنگامه: غوغا)، (مفتاح: کلیدها)

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

(کتاب درسی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۵. ۵- معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(ورطه: زمین پست)، (حکمت: تقدیر)، (خیره: بیهوده)، (یله: پهلوان)، (هنگامه: جمعیت مردم)، (شکن: بیچ و خم زلف)

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶- معنی واژگان همه گزینها به جز گزینۀ... تماماً درست آمده است.

- (۱) زهره در، تیزپا، همسری: بسیار ترساننده، شتابنده، برابری
- (۲) گلبن، زهره، هنگامه: گل سرخ، شجاعت، غوغا
- (۳) سهم، معرکه، پیرایه: ترس، میدان، آرایش
- (۴) برازندگی، شکن، نادره: دارندگی، پیچ، بی‌مانند

(کتاب درسی، صفحه ۱۳)

۷- واژه «راست» در همه گزینها به جز گزینۀ... معنایی یکسان دارد.

- (۱) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک
- (۲) زاله بر لاله فرود آمده هنگام سحر
- (۳) ز سوی خزر نای رویین بخواست
- (۴) فاخته راست به کردار یکی لعبگر است

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

خاکیم و دلاویزتر از بوی عبیریم
جوشنده چو بهیریم و خروشنده چو شیریم
بسی روی تو خاموش‌تر از مرغ اسیریم
جز حاسد مسکین که بر او خرده نگیریم

۸- کدام بیت، غلط املائی یا رسم الخطی دارد؟

- (۱) خاریم و طربناک‌تر از بساد بهاریم
- (۲) از نعره مستانه ما چرخ پرآواست
- (۳) از شوق تو بی‌تاب‌تر از بساد صبایم
- (۴) آن کیست که مدهوش غزل‌های رهی نیست؟

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

می تا خلاص بخشدم از مایی و منی
در کار یار باش که کاریست کردنی
خوش بگذران و بشنو از این پیر منحنی
تا بشنوی ز صوت مغنی «هو الغنی»

۹- کدام بیت، غلط املائی دارد؟

- (۱) در بحر مایی و منی افتاده‌ام بی‌سار
- (۲) خون پیاله خور که هلال است خون او
- (۳) می ده که سر به گوش من آورد چنگ و گفت
- (۴) ساقی به بی‌نیازی رندان کسه می بده

(کتاب درسی، صفحه ۱۰، بیت ۴ و صفحه ۱۳)

رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور
خویشتن از حادثه برتر کشد
سهمگنی، نادره جوشنده‌ای
تویی هم آشکارا هم نهانم

۱۰- در همه گزینها به جز گزینۀ... غلط املائی وجود دارد.

- (۱) زین نمط آن مست شده از غرور
- (۲) خاست کزان ورطه قدم در کشد
- (۳) دید یکی بهر خروشنده‌ای
- (۴) زحی گویا ز تو، کام و زبانم

دستور

صفحه ۱۰ تا ۱۶ فارسی ۱

بیمانه ۳
تست ۵

بیمانه ۲
تست ۱۰

بیمانه‌های ۲ و ۳

(سراسری ریاضی-۸۵)

۱۱- نقش دستوری ضمیر «م» در واژه‌های قافیه همه ابیات به جز بیت... یکسان است؟

- (۱) همت حافظ و انفاس سحرخیزان بسود
- (۲) چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شی
- (۳) بعد از این روی من و آینه وصف جمال
- (۴) هاتف آن روز به من مژده این دولت داد

(آزمون کانون، ۹۴)

۱۲- نقش همه واژه‌های مشخص شده گزینها، به ترتیب، درست است به جز گزینۀ...

- (۱) بگذار تا بگرییم چون ابر در بهاران
- (۲) عشق او باز اندر آوردم به بند
- (۳) مرنجان دلیم را که این مرغ وحشی
- (۴) معلوم نگرده سخن عشق به تقریر

(آزمون کانون، ۹۴)

۱۳- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

- «به داغ عشق منه دل که این ستاره شوخ / به هر تجلی خود مشرق دگر دارد»
- (۱) متمم، نهاد، متمم، مفعول
 - (۲) مضاف‌الیه، مسند، نهاد، مفعول
 - (۳) مضاف‌الیه، نهاد، متمم قیدی، مفعول
 - (۴) مفعول، نهاد، متمم قیدی، نهاد

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۱۴- ۴- نقش دستوری «ش» در انتهای کدام بیت، با نقش دستوری «ش» در بیت زیر یکسان است؟

«چو خود را به چشم حقارت بدید / صدف در کنارش به جان پرورید»

- (۱) می لعل ار چه لطیف است در آن جام عقیق
 - (۲) گر در آینه در آن صورت زیبا نگرد
 - (۳) بس که در چنگ فراق تو چو نی می نالم
 - (۴) خواجه از چشمه نوش تو چو راند سخنی
- آن ندارد ز لطافت که در آن جامه تنش
 بو که معلوم شود صورت احوال منش
 هیچ کس نیست که یک بار بگوید مزنش
 می چکد هر نفسی آب حیات از سخنش

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۱۵- ۵- درباره نقش دستوری واژه یا واژه‌هایی که در بیت زیر با بن فعل ساخته شده‌اند، کدام جمله کاملاً درست است؟

«گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است»

- (۱) دو واژه‌اند که هر دو مسند هستند.
- (۲) فقط یک واژه است و آن هم مسند است.
- (۳) دو واژه‌اند که یکی مسند است و دیگری صفت بیانی.
- (۴) فقط یک واژه است و آن هم صفت بیانی است.

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۵)

۱۶- ۶- رابطه معنایی میان واژه‌های «ادبار» و «اقبال»، بین واژه‌های کدام گزینه برقرار است؟

- (۱) منکر، زشت
- (۲) مولع، آزمندی
- (۳) مستغنی، محتاج
- (۴) معمول، مرسوم

(آزمون کانون، ۶ بهمن ۹۶)

۱۷- ۷- نقش دستوری کدام واژه مشخص شده در ابیات گزینده‌ها، با نقش دستوری «گهر» در بیت زیر یکسان است؟

«قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک»

- (۱) بر گل خودروی رویت کآبروی حسن از اوست
 - (۲) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب
 - (۳) عیب مجنون گو مکن لیلی که شرط عقل نیست
 - (۴) چون به نوک خامه خواجه شرح مشتاقی دهد
- سبزه سیراب را بنگر چو نیلوفر در آب
 مردم چشمم فرو بردست دایم سر در آب
 گر نداند حال دردش گو برو بنگر در آب
 چشم خونبارش دراندازد روان دفتر در آب

(کتاب درسی، صفحه ۱۴)

۱۸- ۸- همه گروه‌های اسمی مشخص شده به جز گزینه ... در جایگاه «مفعول» قرار گرفته‌اند.

- (۱) ز مشتیی خاک ما را آفریدی
 - (۲) ندانم دیدنش را خود، صفت چیست
 - (۳) تو با ما روز و شب در خلوت و ما
 - (۴) خداوندی چنین بخشنده داریم
- چگونه شکر این نعمت گزاریم
 جز این را کز سماعش بی‌قراریم
 شب و روزی به غفلت می‌گذاریم
 که با چندین گناه امیدواریم

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۱۹- ۹- نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

- (۱) نیست دلی جـز درون لاله پر از داغ
 - (۲) میر من خوش می‌روی کاند سر و پا میرمت
 - (۳) گر تشنگان بادیه را جان به لب رسید
 - (۴) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر
- نیست تنی جز دو چشم نرگس بیمار (مسند)
 خوش خرامان شو که پیش قد رعنا میرمت (نهاد)
 تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری (مفعول)
 چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول (مضاف‌الیه)

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۲۰- ۱۰- نقش همه واژگان مشخص شده به جز گزینه ... صحیح است.

- (۱) چون بدوم سبزه در آغوش من
 - (۲) راست به مانند یکی زلزله
 - (۳) در بن این پـرده نیلوفری
 - (۴) گفت: در این معرکه، یکتا منم
- پوسه زند بر سر و بر دوش من (نهاد- مفعول)
 داده تنش بر تن ساحل یله (قید- نهاد)
 کیست کند با چو منی همسری؟ (متمم- صفت)
 تاج سر گلبن و صحرا، منم (مسند- مضاف‌الیه)

پیمانه ۳

(کتاب درسی، صفحه ۱۴)

۲۱- ۱- نقش کدام یک از واژه‌های مشخص شده نادرست آمده است؟

- (۱) چو در وقت بهار آیی پدیدار
 - (۲) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 - (۳) فروغ رویت اندازی سوی خاک
 - (۴) گل از شوق تو خندان در بهار است
- حقیقت، پـرده‌برداری ز رخسار (نهاد)
 تـوی خـلاق هر دانا و نادان (مسند)
 عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک (مفعول)
 از آتش رنگ‌های بی‌شمار است (مسند)

۲۲. ۲- در همه گزینیه‌ها به جز گزینیه ... هم ترکیب اضافی و هم ترکیب وصفی به کار رفته است.

(کتاب درسی، صفحه‌های ۱۰، ۱۲ و ۱۳)

- | | |
|---------------------------------|------------------------------------|
| (۱) ابر ز من حامل سرمایه شد | (۲) گل از شوق تو خندان در بهار است |
| (۳) قطره باران که درافتد به خاک | (۴) چشمه کوچک چو به آن جا رسید |
| (۱) باغ ز من صاحب پی‌رایه شد | (۲) از آتش رنگ‌های بی‌شمار است |
| (۳) زو بدمد بس گهر تابناک | (۴) وان همه هنگامه دریا بدید |

۲۳. ۳- نام اجزای اصلی تشکیل دهنده بیت زیر، در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

(کتاب درسی، صفحه ۱۴)

- «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا»
- (۱) نهاد - مفعول - فعل
- (۲) نهاد - متمم - مسند - فعل
- (۳) نهاد - مسند - فعل
- (۴) نهاد - مفعول - مسند - فعل

(کتاب درسی، صفحه ۱۳)

۲۴. ۴- در مصراع دوم کدام بیت، کلمه قافیه «مسند» است؟

- (۱) گشت در ایمن معرکه، یکتا منم
- (۲) زین نمط آن مست‌شده از غرور
- (۳) دید یکی بحر خروشنده‌ای
- (۴) گل به همه رنگ و برازندگی
- (۱) تنجاس سر گلبن و صحرا، منم
- (۲) رفت و ز مبدا چو کمی گشت دور
- (۳) سهمگنی، نادره جوشنده‌ای
- (۴) می‌کند از پرتو من زندگی

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۲۵. ۵- در کدام گزینه گروه اسمی مفعولی به کار نرفته است؟

- (۱) مخور طعمه جز خسروانی خورش / که جان یابدت زان خورش، پرورش
- (۲) چو مفلس فرو برد گردن به دوش / از او بر نیاید دگر جز خروش
- (۱) چون بگشایم ز سر مو، شکن / ماه ببیند رخ خود را به من
- (۲) تو را نادیدن ما غم نباشد / که در خیلت به از ما کم نباشد

آزاینه‌های ادبی

صفحه ۱۰ تا ۱۶ فارسی ۱

۵
بیمانه
۵
تست

۴
بیمانه
۱۰
تست

بیمانه‌های ۴ و ۵

۲۶. ۱- به ترتیب در بیت الف، ... وجه شبه تشبیه است و در بیت ب، آرایه ... وجود دارد.

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

- (الف) گه به دهان، برزده کف چون صدف
- (ب) چون بدوم، سبزه در آغوش من
- (۱) دقت، تشبیه
- (۲) سرعت، تشخیص
- (۳) گاه چو تیری که رود بر هدف
- (۴) بوسه زند بر سر و بر دوش من
- (۱) عظمت، تشبیه
- (۲) حقارت، تشخیص

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۲۷. ۲- کدام بیت «حسن آمیزی» دارد؟

- (۱) پیش رویت دگران صورت بر دیوارند
- (۲) آن که گویند به عمری شب قدری باشد
- (۳) عجب از چشم تو دارم که شبانش تا روز
- (۴) سعدی اندازه ندارد که چه شیرین سخنی

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۲۸. ۳- کدام بیت استعاره ندارد؟

- (۱) وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
- (۲) نرگس تازه میان مرغزار
- (۳) ز شوق نرگس مست بلندبالایی
- (۴) بیا سساقی آن آتش توبه‌سوز

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

۲۹. ۴- کدام بیت «حسن آمیزی» دارد؟

- (۱) چون سوی چرخ عروسی است ز ماه ده‌چار
- (۲) همچو بلبل که شود مست ز گل فصل بهار
- (۳) که جوانی تو ز سر گیر و بر او مزده بیار
- (۴) روز روشن شود از روی چو ماهت شب تار
- (۱) اختران را شب وصل است و نثار است و نثار
- (۲) زهره در خویش ننگد ز نواهای لطیف
- (۳) مشتری اسب دوانید سوی پیر زحل
- (۴) شمس تبریز در آن صبح که تو درتابی

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۳۰. ۵- در کدام گزینه «حسن آمیزی» وجود ندارد؟

- (۱) خواب من تلخ ز اندیشه تعبیر شده است
- (۲) میارای لب را به گفتار سرد
- (۳) آب شیرین به مذاقم چو می تلخ حرام
- (۴) دیر است تا بدان بو دم می‌دهد شمالم
- (۱) هیچ‌کس را غم فردا نکند استقبال
- (۲) سخن نرم گوی ای جهان‌دیده مرد
- (۳) روز روشن به برم چون شب یلدا تاریک
- (۴) بوی شما شنیدم، کز شوق می‌دهم جان

۳۱. ۶- کدام بیت حس آمیزی دارد؟

- (۱) بوی بهار آمد بنال ای بلبل شیرین نفس
- (۲) گیرند مردم دوستان نامهربان و مهربان
- (۳) محمول پیش آهنگ را از من بگو ای ساربان
- (۴) پند خردمندان چه سود اکنون که بندم سخت شد

(آزمون کانون، ۲۱ آبان ۹۵)

ور پای‌بندی همچو من، فریاد می‌خوان از قفس
هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس
تو خواب می‌کن بر شتر تا بانگ می‌دارد جرس
گر جستم این بار از قفس بیدار باشم زین سپس

۳۲. ۷- در کدام بیت آرایه «مجاز» یافت می‌شود؟

- (۱) دو دوست قدر شناسند عهد صحبت را
- (۲) از لعل لببت بسوده زکاتی
- (۳) یکی درخت گل اندر میان خانه ماست
- (۴) اگر بر آن سری ای ماهرو که روز مرا

(آزمون کانون، ۱۹ آبان ۹۶)

که مدتی ببردند و باز پیوستند
ای ماه بگو که از کجایی
که سروهای چمن پیش قامتش پستند
کنی سیاه به زلفت قسم، نخواهد شد

۳۳. ۸- کدام آرایه در بیت زیر نیست؟

- «من به تو ای زود سیر تشنه دیرینه‌ام / دشنه مکش هم‌چو صبح تشنه مکش چون سراب»
- (۱) کنایه
 - (۲) تشخیص
 - (۳) حس آمیزی
 - (۴) جناس

(آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)

۳۴. ۹- کدام بیت «مجاز» ندارد؟

- (۱) گو شمع میارید در این جمع که امشب
- (۲) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
- (۳) دل نبیند آن که باشد جسم و جان را او حجاب
- (۴) هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

(آزمون کانون، ۲۴ دی ۹۵)

در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است
چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
سر ندارد آن که بنهد پا در این ره سرسری
من در میان جمع و دلم جای دیگر است

۳۵. ۱۰- کدام آرایه در بیت زیر به کار نرفته است؟

- «شکر در کام من تلخ است بی‌دیدار شیرینش»
- (۱) جان‌بخشی (تشخیص)
 - (۲) تشبیه
 - (۳) تضاد
 - (۴) حس آمیزی

(کتاب درسی، صفحه ۱۴)

پیمانه ۵

۳۶. ۱- کنایه موجود در کدام گزینه با کنایه بیت زیر مفهومی یکسان دارد؟

- «در بر من، ره چو به پایان برد
تو سر ناز بر آری ز گریبان هر روز
تا نداند سر من تردامنی
همی کرد فریاد دامان به چنگ
عود است زیر دامن یا گل در آستینت»
- (۱) از خجلی سر به گریبان برد
 - (۲) ما ز جورت سر فکرت به گریبان تا چند
 - (۳) خون دل سر در گریبان می‌خورم
 - (۴) مرا مانده سر در گریبان ننگ
 - (۵) یا مشک در گریبان بنمای تا چه داری

(کتاب درسی، صفحه ۱۲)

۳۷. ۲- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ... «حس آمیزی» به کار رفته است.

- (۱) بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید
 - (۲) کامم از تلخی غم چون زهر گشت
 - (۳) خار ارچه جان بکاهد، گل عذر آن بخواهد
 - (۴) آن که در طرز غزل نکته به حافظ آموخت
- از یار آشنا سخن آشنا شنید
بانگ نوش شاد خواران یاد باد
سهل است تلخی می در جنب ذوق مستی
یار شیرین سخن نادره گفتار من است

(کتاب درسی، صفحه ۱۴)

۳۸. ۳- با توجه به ابیات، آرایه‌های «تشبیه، جناس، حس آمیزی، کنایه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر
(ب) من که قول ناصحان را خواندمی قول رباب
(ج) بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت
(د) من آن آیینه را روزی به دست آرم سکندروار
- (۱) الف، ب، ج، د
 - (۲) د، الف، ب، ج
 - (۳) د، ج، الف، ب
 - (۴) د، ج، الف، ب
- یادگاری که در این گنبد دوار بماند
گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس
کنار آب رکن آباد و گلگشت مصلّا را
اگر می‌گیرد این آتش، زمانی ور نمی‌گیرد

(کتاب درسی، آرایه، ترکیبی)

۳۹. ۴- آرایه‌های موجود در بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«تویی که بر سر خوبان کشوری چون تاج

- ۱) جان‌بخشی، واج‌آرایی، تلمیح، تشبیه
- ۲) تشبیه، کنایه، تناسب، جناس
- ۳) جناس، مجاز، تلمیح، تشخیص
- ۴) تضاد، تناسب، کنایه، واج‌آرایی

۴۰. ۵- آرایه‌های کدام بیت نادرست آمده است؟

- ۱) چو در وقت بهار آبی پدیدار
- ۲) لیک چنان خیره و خاموش ماند
- ۳) راست به مانند یکی زلزله
- ۴) چون بدوم سبزه در آغوش من

(کتاب درسی، آرایه، ترکیبی)

سزد اگر همه دلبران دهندت باج»

(کتاب درسی، صفحه ۱۱)

- حقیقت، پسرده برداری ز رخسار (تشبیه)
کز همه شیرین سخنی گوش ماند (حس‌آمیزی)
داده تنش بر تن ساحل یله (تشخیص)
پوسه زند بر سر و بر دوش من (مراعات‌نظیر)

معنی و مفهوم

صفحه ۱۰ تا ۱۶ فارسی ۱

پیمانه ۷
تست ۱۰

پیمانه ۶
تست ۱۰

پیمانه‌های ۶ و ۷

۴۱. ۱- بیت کدام گزینه مفهوم مشترکی با سایر ابیات ندارد؟

- ۱) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
- ۲) جمله را رزاق روزی می‌دهد
- ۳) نیز روزی با خدا زاری نکرد
- ۴) گرم نیست روزی ز مهر کسان

۴۲. ۲- کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) وصفش چه کنی که هرچه گویی
- ۲) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
- ۳) نخواهم در این وصف از این بیش گفت
- ۴) ز هر وصفی که کردم بیش از آنی

۴۳. ۳- کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) چو شبنم بیفتاد مسکین و خرد
- ۲) به جایی که بدخواه خونی بود
- ۳) بلندیت باید تواضع گزین
- ۴) در این حضرت آنان گرفتند صدر

۴۴. ۴- بیت کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

«تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من

- ۱) دلم ببرد و به جان زینهار می‌ندهد
- ۲) هرگلی کز نوبهار کام دل آید به عرض
- ۳) اگر غیری نظربازی کند با صورت دیگر
- ۴) من اگر باده خورم و نه چه کارم با کس

۴۵. ۵- کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

- ۱) به دیدار مردم شدن عیب نیست
- ۲) مرد باید که عیب خود ببیند
- ۳) عیب مردم پیش از این می‌گفتم اندر چشم خلق
- ۴) زشت باشد که عیب خود پوشی

۴۶. ۶- کدام گزینه از نظر معنایی با عبارت «تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.» متناسب نیست؟

- ۱) یک سخن با من بگو چه کز چه راست
- ۲) اگر جفت گردد زبان بر دروغ
- ۳) چو صبح صادق آمد راست‌گفتار
- ۴) سخن گفتن کز ز بیچارگیست

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود
قسمت هر یک به پیشش می‌نهد
«یا رب» نامد ازو روزی به درد
خدای است رزاق و روزی‌رسان

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

گویند مگو که بیش از آن است
یقین دانم که بی‌شک جان جانی
که شنعت (زشتی) بود سیرت خویش گفت
که وصف خویش کردن هم تو دانی

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

به مهر آسمانش به عیوق برد
تواضع نمودن زبونی بود
که آن بام را نیست سلّم (نردبان) جز این
که خود را فروتر نهادند قدر

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

هیچکس می‌نپسندم که به جای تو بود
کسی به شهر شما این کند به جای کسی؟
باغبانش خرمن آراید به دوران شما
مرا منظور در آفاق، باری، نیست غیر از تو
حافظ راز خود و عارف وقت خویشم

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

ولیکن نه چندان که گویند بس
بر ره زور و غیبه ننشیند
وقتیم آینه‌گفتا آخر از خود شرم دار
واندر افشای دیگران کوشی

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

گر همه دشنام باشد آن رواست
نگیرد ز بخت سپهری فروغ
جهان در زر گرفتش محتشم‌وار
به بیچارگان بر نباید گریست

۴۷. ۷- کدام بیت با مصراع دوم بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

«به نام کردگار هفت افلاک»

- ۱) ملکت آل بنی آدم ندارد قیمتی
 - ۲) ای همه هستی ز تو پیدا شده
 - ۳) با پاسبان کوبش در خاک می‌رویم
 - ۴) صورت ار با تو نباشد گو مباحث
- خاک ره باید شمردن دولت پرویز را
خاک ضعیف از تو توانا شده
هر چند فرق فرقد جای نشست ماست
خاک بر سر جسم را چون جان تو راست

(آزمون کانون، ۲۱ آبان ۹۵)

۴۸. ۸- مفهوم کدام بیت در تقابل نسبی با مفهوم سایر ابیات است؟

- ۱) حافظ افتادگی از دست مده زان که حسود
- ۲) تواضع گرچه محبوب است و فضل بیکران دارد
- ۳) تواضع سرر رفعت افزادت
- ۴) گمان کی برده مردم هوشمند

عرض و مال و دل و دین در سر مغروری کرد
نباید کرد بیش از حد که هیبت را زیان دارد
تکبر به خاک اندر اندازدت
که در سرگرانی است قدر بلند؟

(کتاب درسی، صفحه ۱۵)

۴۹. ۹- کدام بیت با سایر ابیات قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) صائب ز اهل عقل شنیدن حدیث عشق
- ۲) ای چشم عقل خیره در اوصاف روی تو
- ۳) خرد حیران در آن وصف و بیان است
- ۴) عقل از تو چه دریابد تا وصف تو اندیشد

اوصاف یوسف از لب اخوان شنیدن است
چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی
که هر وصفش که گویم بیش از آن است
در عقل نمی‌گنجی در وصف نمی‌آیی

(آزمون کانون، ۱۸ آبان ۹۷)

۵۰. ۱۰- مفهوم بیت «چون بگشایم ز سر مو، شکن / ماه ببیند رخ خود را به من» چیست؟

- ۱) ماه به رخسار زیبای من حسد می‌برد.
- ۲) من با شفافیت خود، جلوه‌دهنده زیبایی‌ها هستم.
- ۳) زیبایی جعد و پیچ زلف من ماه را به حیرت می‌اندازد.
- ۴) ماه، به چین و شکن زلف من زیبایی می‌دهد.

رنند از ره نیاز به دارالسلام رفت
چین قباى قیصر و طرف کلاه کی
کز کبر به جایی نرسیده است کسی
چو مرگ آید چه دربان و چه فغفور (پادشاه چین)

(کتاب درسی، صفحه ۱۲ و ۱۳)

۵۱. ۱- مفهوم همه گزینه‌ها به جز ... یکسان است.

- ۱) زاهد غرور داشت سلامت نبردد راه
- ۲) بگذر ز کبر و ناز که دیده است روزگار
- ۳) از کبر مدار هیچ در دل هوسوی
- ۴) نشاید شد به جاه و مال مغرور

۵۲. ۲- کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- «هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی»
- ۱) زبان ناطقه در وصف شوق نالان است
 - ۲) ثنای تو نتواند به شرح گفت
 - ۳) وصل تو به وهم در نمی‌آید
 - ۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

یقین دانم که بی‌شک جان جانی
چه جای کلک بریده زبان بیهوده گوست
خاموشی از ثنای تو حد ثنای توست
وصف تو به گفت بر نمی‌آید
نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

(کتاب درسی، صفحه ۱۰)

۵۳. ۳- کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- تویی رزاق هر پیدا و پنهان
- ۱) دادار غیب‌دان و خداوند آسمان
 - ۲) به منعم نداده است روزی‌رسان
 - ۳) ز من هست روزی و جان از من است
 - ۴) حاجت موری به علم غیب بدانند

تویی خلاق هر دانا و نادان
خلاق بنده‌پرور و رزاق ره‌نما
مگر بهر آسایش مفلحان
همه آشکار و نهان از من است
در بن چاهی به زیر صخره صما (سخت و محکم)

(کتاب درسی، صفحه ۱۰)

۵۴. ۴- همه گزینه‌ها به جز گزینه ... قرابت مفهومی دارند.

- ۱) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
- ۲) کرم نیست روزی ز خوان کسان
- ۳) رزق را روزی‌رسان پر می‌دهد
- ۴) گرچه نکوست رزق فراخ از قضا ولیک

گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود
خدای است رزاق و روزی‌رسان
بی‌مگس هرگز نماند عنکبوت
قانع شدن به رزق مقدر نکوتر است

(کتاب درسی، صفحه ۱۰)

۵۵. ۵- همه گزیندها به جز ... با عبارت زیر قرابت مفهومی دارند.

«تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.»

- ۱) ندیدیم چیزی به از راستی
- ۲) مرد باید که راستگو باشد
- ۳) ز کزگویی سخن را قدر کم گشت
- ۴) بگویم بدو آن سخن‌ها که گفت

همان دوری از کزی و کاستی
 و ر ببارد بر او بلا چو تگرگ
 کسی کاو راستگو شد محتشم گشت
 ز من راستی‌ها نشاید نهفت

(کتاب درسی، صفحه ۱۶)

۵۷. ۷- همه ابیات به جز بیت ... با عبارت زیر قرابت مفهومی دارند.

«تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.»

- ۱) بر در او رو که از اینان به اوست
- ۲) هر که را بینی به گیتی روزی خود می‌خورد
- ۳) عطا از خلق چون جویی گر او را مال ده‌گویی
- ۴) دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر

روزی از او خواه که روزی‌ده اوست
 گر ز خوان توست نانش ور ز خوان خویشتن
 به سوی عیب چون پویی گر او را غیب دان بینی
 که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود

(کتاب درسی، صفحه ۱۶)

۵۸. ۸- همه گزیندها به جز گزینۀ ... با عبارت زیر قرابت مفهومی دارند.

«تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم»

- ۱) پرده مردم دریدن، عیب خود بنمودن است
- ۲) به پیر می‌کده گفتم که چیست راه نجات
- ۳) عیب نمایی مکن آینه‌وار
- ۴) سبوی او تاب کز گناه به اوست

عیب خود می‌پوشد از چشم خلاق، عیب پوش
 بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن
 تا نشوی از نفسی عیب‌دار
 خلق را پاک بازگشت و مآب (بازگشتن)

(کتاب درسی، صفحه ۱۶)

۵۹. ۹- معنی موردنظر از «پرده نیلوفری» در بیت زیر، از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

«در بن ایمن پرده نیلوفری»

- ۱) روی چو آفتاب به چشم چو نرگست
- ۲) گرز خود غافل به باده و رود
- ۳) بر این گونه خواهد گذشتن سپهر
- ۴) برین نیز بگذشت چندی سپهر

کیست کند با چو منی همسری؟
 آن تازگی دهد که به نیلوفر آفتاب
 نیستم غافل از سپهر کی بود
 نخواهد شدن رام با کس به مهر
 به دل در همی داشت آرام مهر

(کتاب درسی، صفحه ۱۲)

۶۰. ۱۰- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) باشد نشان پختگی افتادگی «کلیم»
- ۲) بلندی از آن یافت کاو پست شد
- ۳) تواضع کند هوشمند گزین
- ۴) جانا نکنی به من نظر تو

آن میوه نارس است که بر دار مانده است
 در نیستی کوفت تا هست شد
 نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین
 که افتاده‌ام از نظر، چه سازم؟

(سراسری خارج از کشور- ۹۲)



از آموختن، ننگ مدار - خسرو

درسنامه

● تأکید بر امیدواری:

به وقت نومی، امیدوارتر باش.

● خویشنداری:

اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا مکن.
بدان کوش که به هر محالی، از حال و نهاد خویش بنگردی.

● حق شناسی:

همه کس را به سزا، حق شناس باش.

● پرهیز از شیفتگی زیاد نسبت به خویشان و نزدیکان:

ولیکن به ایشان مولع مباش تا همچنان که هنر ایشان همی بینی، عیب نیز بتوانی دید.

رؤن خوانی: خسرو

نعت

معانی واژه‌های مهم درس:

(رَسَا: شیوا)، (زنگاری: منسوب به زنگار، سبز رنگ)، (دی: دیروز)، (سرای: خانه) (برزن: محله، کوچه)، (مهاوره: گفت‌وگو)، (لاجرم: ناچار، ناگزیر)، (غالب: پیروز)، (مغلوب: شکست خورده)، (سِزَا: مجازات)، (هردوان: هر دوی آن‌ها)، (خسروانی خورش: خورش و غذاهای شاهانه)، (خورش: غذا)، (طمأنینه: آرامش، سکون و قرار)، (حرام از: دریغ از)، (کَمِیت: اسب سرخ میال به سیاه)، (عتاب کردن: خشم گرفتن بر کسی، سرزنش کردن)، (أشتر: شتر)، (طَرَب: شادی)، (کُز طبع: بی ذوق)، (دم برنیاوردن: خاموش ماندن)، (بَتَه: بوتنه)، (رهاورد: سوغاتی، ارمغان)، (حُجَب: شرم، حیا)، (مطربی: نوازندگی و خوانندگی)، (شگرف: عجیب)، (فروکوفتن: شکست دادن)، (لَعَب: بازی، لُهو و لَعَب: خوش گذرانی)، (حِفَّت: خواری)، (تکیده: لاغر و ضعیف)، (قضا: سرنوشت)، (ارتجالاً: بی درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن)، (استماع: گوش دادن، شنیدن)، (اوان: وقت، هنگام)، (پلاس: جامه‌ای کم ارزش، گلیم درشت و کلفت)، (تقریر: بیان کردن)، (تکیده: لاغر و باریک اندام)، (عتاب کردن: سرزنش کردن، خشم گرفتن بر کسی)، (مندرس: گهنة، فرسوده)، (استرحام: رحم خواستن، طلب رحم کردن)، (اقبال: نیک‌بختی، خوشبختی)، (ادبار: تیره بختی، بدبختی)، (الزام: ضرورت، لازم گردانیدن، واجب گردانیدن)، (باری: القصه، به هر حال، خلاصه)، (بَدَسْگال: بداندیش، بدخواه)، (بسمل کردن: سر جانور را بریدن)، (تعلیقات: ج تعلیق، پیوسته‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب؛ در متن درس، مقصود نشان‌های ارتشی است.)، (تکریم: گرامیداشت)، (تصدیق‌نامه: گواهی‌نامه)، (تیمار: غم، اندیشه، خدمت، تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد.)، (جافی: جفاکار، ستمکار)، (حَلَبی: ورق نازک فلزی، از جنس حَلَب)، (خودرو: خودرأی، خودسر، لجوج)، (دانگ: بخش، یک ششم چیزی)، (دوات: مرکب دادن، جوهر، شهناز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور)، (صاحبدل: عارف، آگاه)، (ضمایم: ج ضمیمه، همراه و پیوست: در متن درست، مقصود نشان‌های دولتی است.)، (عَنود: ستیزه‌کار: دشمن و بدخواه)، (قیاض: سرشار و فراوان، بسیار فیض‌دهنده)، (لَمَن تقول: برای چه کسی می‌گویی؟)، (لُهو: بازی و سرگرمی، آنچه مردم را مشغول کند.)، (مألوف: خو گرفته،

از آموختن، ننگ مدار

نعت

معانی واژه‌های مهم درس:

(نمای: نشان بده)، (نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده)، (داد: انصاف، عدالت)، (مستغنی: بی‌نیاز)، (تیمار: غمخواری، فکر، اندیشه)، (مُحال: ناممکن، دروغ، بی‌اصل)، (نهاد: طبیعت، سرشت)، (ضایع: تباه، تلف)، (سزا: پاداش، جزا)، (قربت: خویشی و خویشاوندی)، (حرمت: احترام، آبرو)، (مولع: حریص، آزمند، بسیار مشتاق، شیفته)، (ناایمن: ناامن، نامطمئن)

املا

واژه‌های مهم املائی:

مستغنی - مُحال - ضایع - خاصه - قرابت طاقت - حرمت

دستور

- ساختمان واژه: واژه، از نظر «ساخت» چهار نوع است:
- ساده: یک جزء معنادار که به تنهایی به کار رود: شاد، نیک، آشنا
- وندی: از یک جزء معنادار و یک یا چند وند تشکیل می‌شود: تابناک، سبزه، گلزار
- مرکب: از دو یا چند جزء معنادار ساخته می‌شود: گل‌خانه، شیرین‌سخن، خدانشناس
- وندی - مرکب: از ترکیب حداقل دو جزء معنادار و یک یا چند وند ساخته می‌شود: شادکامی، میهن‌دوستی، سراسر

آیه‌های ادبی

- جناس تام: دو واژه که در تعداد و ترتیب واج‌ها یکسان‌اند اما معانی متفاوت دارند.
مثال: کتابی که در او داد سخن آرای توان داد.
انصاف فعل
عشق شوری در نهاد ما نهاد.
سرشت فعل
- تضاد: غم و شادی، نیک و بد، شادان و اندوهگین، حق و باطل

تاریخ ادبیات

- قابوس‌نامه، اثر عنصرالمعالی کیکاووس، کتابی اخلاقی و تربیتی است.

معنی و مفهوم

مفاهیم کلیدی درس:

- پرهیز از ریاکاری:
- گندم نمای جو فروش نباش.
- رعایت عدل و انصاف در کارها:
- اندر همه کاری داد از خویشتن بده.

● اشاره به مفهوم «سپر انداختن» به معنی تسلیم شدن: خروس مغلوب لاجرم سپر بینداخت و از میدان بگریخت.

● بیان آرامش پس از دفع دشمن:

دمی آب خوردن پس از بدسگال / به از عمر هفتاد و هشتاد سال

● «خشت زدن» به مفهوم «پرحرفی و بیهودگی»:

شعر هم می‌گفت: زیاد هم می‌گفت: اما به قول نظامی «خشت می‌زد».

● تأکید بر تأثیر مثبت موسیقی بر انسان و حیوانات:

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گر ذوق نیست تو را کژ طبع جانوری

● توجه به تأثیر هم نشین نامناسب در معتاد شدن خسرو با بیان ادبی:

حسودان تنگ نظر و عنودان بد گهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند

● بیان مفهوم ناشنوایی و پندناپذیری:

گفت: داد زن من گوش استماع ندارم، لمن تقول

● بیان سرانجام بی‌پناهی و سرگردانی و تأثیر قضا و سرنوشت در زندگی انسان:

کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام

● زیاد شدن نعمت به واسطه شکرگزاری نعمت:

شکر نعمت، نعمت افزون کند.

● بر حذر داشتن خسرو از آموزش موسیقی و خوانندگی:

ای فرزند، حالات نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه سازی که «همه قبیله من عالمان دینی بودند».

● تأکید بر دوری از هم‌نشین بد:

بیاموزت کیمیای سعادت / ز هم صحبت بد، جدایی جدایی

(متداول: معمول، مرسوم)، (مخذول: خوار، زیون گردیده)، (مسخرگی: لطفه‌گویی، دل‌فکی)، (مُسکِر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل شراب)، (معاصی: ج معصیت، گناهان)، (مفتول: سیم، رشته فلزی دراز و باریک)، (ملفتت شدن: آگاه شدن، متوجه شدن)، (منجلاب: محل جمع شدن آب‌های کثیف و بدبو)، (مُنکِر: زشت و ناپسند).

املا

واژه‌های مهم املائی:

ارتجالاً - صدای گرم و رسا - اصطلاح - تقریر - سرای - بَرزن - محاوره - خوشمزگی - صدمت - سپر - خروس غالب - حریف مغلوب - مخذول - استرحام - بدسگال - طمأنینه - اساساً - صدقه - مرحوم - عتاب - طرب - ذوق - ضمایم و تعلیقات - مهارت - رهاورد - نصیب - حجب و فروتنی - فیاض - اوان - توصیه - بر گزار - حسودان تنگ نظر - عنودان بدگهر - لهو و لعب - منجلاب فساد - فی الجملة - معاصی - مسکری - پرفروغ - مندرس

آیه‌های ادبی

● کنایه: «گرد برانگیختن: کنایه از گرد و غبار به پا کردن به علت جنگ»، «بال و پر افراشتن: کنایه از آمادگی برای پریدن»، «حلالش کردم: کنایه از این‌که سرش را بریدم قبل از آن‌که مردار شود».

● ابیهام تناسب: «در شهنواز شوری به‌پا کرده بود»: ۱- شور و هیجان ۲- نام یکی از دستگاه‌های موسیقی مرتبط با شهنواز.

● تضمین: عبارت: «فی الجملة نماند از معاصی منکری که نکرد و مسکری که نخورد» تضمین از باب دوم گلستان سعدی برای بیان به منجلاب و فساد کشیده شدن خسرو

تاریخ ادبیات

● «داستان خسرو» اثر عبدالحسین وجدانی است.

املا و لغت

صفحه ۱۷ تا ۲۶ فارسی ۱

پیمانه ۹
تست ۱۰

پیمانه ۸
تست ۱۰

پیمانه‌های ۸ و ۹

۶۱. (سراسری ریاضی - ۸۳)

۱- معنای کلمات «منحوس - مذموم - محظوظ - مخذول» به ترتیب کدام است؟

- (۱) بدکار - پیوسته - لذت - خواری
(۲) ناپسند - زشتی - بهره‌مند - شوم
(۳) نامیمون - زشت - بهره‌ور - خوار
(۴) بدخوی - بهره‌وری - نکوهیده - زبونی

۶۲. (آزمون کانون، ۷ آبان ۹۵)

۲- «ماند» در کدام بیت مضارع اخباری نیست؟

- (۱) بدان ماند که خونش می‌دواند
(۲) دانی که عرق بر رخ خوبش به چه ماند؟
(۳) دل رفت و دیده خون شد و جانم ضعیف ماند
(۴) مه چه باشد که به روی تو برابر کنم؟

۶۳. (کتاب درسی، صفحه ۱۷)

۳- در کدام گزینه هر دو معنی واژه، نادرست است؟

- (۱) ضایع: تباه، تلف
(۲) محال: بی‌اصل، ناممکن
(۳) مولع: متحرک، با رغبت
(۴) تیمار: اندیشه، خدمت

۶۴. (کتاب درسی، صفحه ۱۷)

۴- معادل معنایی واژه‌های «آزمند، دروغ، مستغنی، تیمار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) زیاده‌طلب، کاذب، توانا، پاسداری
(۲) مولع، کذب، مغنی، محافظت
(۳) مولع، محال، بی‌نیاز، اندیشه
(۴) حریص، سخن‌ناراست، استعفا، تعهد

۶۵. (کتاب درسی، صفحه ۱۷)

۵- در گروه کلمات زیر معنی چند واژه درست است؟

- (ننگ: شرم)، (داد: عدل)، (نهاد: فطرت)، (رسته: روییده)، (میاسا: آسان‌نگیر)، (داور: حاکم)، (زنگاری: سبزرنگ)
(۱) دو
(۲) چهار
(۳) سه
(۴) پنج

۶۶. ۶- معنی مورد نظر از مصدر «گردیدن» در عبارت زیر در کدام گزینه نیامده است؟ (کتاب درسی، صفحه ۱۷، پاراگراف ۲)

«بدان کوش که به هر مُحالی از حال و نهاد خویش بنگردی.»

- (۱) نداریم چاره در این بند سخت
 - (۲) همی گرددت هر زمان رنگ روی
 - (۳) یکی صورتی دید صاحب جمال
 - (۴) ای دوست به صد گونه بگردی به زمانی
- همانا که از ما بگردید بخت
ز پیراهنت بردمییده است موی
بگردیدش از شورش عشق، حال
گه خوش سخنی گیری و گه تلخ‌زبانی

۶۷. ۷- معنی «گردیدن» در کدام عبارت متفاوت است؟ (کتاب درسی، صفحه ۱۷)

- (۱) و سخن می‌گفت از قضا و قدر که به هیچ چیز نگرده.
- (۲) می‌گفت سفر کنید تا پاک شوید که آب که یک جای ماند بگرده.
- (۳) وزیر گفت من به یک حاجت آمده بودم اما مسأله بگردید و حاجت به سه شد.
- (۴) خدای تعالی بر خلق واجب کرده که بدان دو قوه ببايد گردید.

۶۸. ۸- در کدام گزینه، غلط املائی هست؟ (سراسری ریاضی، ۸۰)

- (۱) حریف مغلوب تسلیم اختیار کرده و مخزول و نالان استرحام می‌کرد.
- (۲) حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به‌لهو و لعب کشیدند.
- (۳) رهاوردی باب دندان نصیصش شده بود با خوش‌رویی و حجب و فروتنی آن را گرفت.
- (۴) فی الجمله نماند از معاصی، منکری که نکرد و مسکری که نخورد.

۶۹. ۹- در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ... غلط املائی وجود دارد. (آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

- (۱) و آن‌چه می‌گویم نه از برای آن می‌گویم تا بر رأی ملک در حادثهٔ خویش خطایی ثابت کنم یا عیبی به جانب او منسوب گردانم، اما حسد جاهلان در حق ارباب هنر و کفایت رسمی معلوف و عادت‌ی مستمر است.
- (۲) چنان که ملاطفت کرد و پرسیدش از کجایی و چه نامی و صنعتی دانی، در قعر بهر مودت چنان غریق بود که مجال نفس زدن نداشت.
- (۳) این اندیشه بر او غالب شد تا آن‌جا که حماقت طبع و سخاوت رای اوست، فرصتی دیگر می‌جوید که صریح گفتن از ادب بندگی دور افتد و آلا اظهار کردنی.
- (۴) صواب آن است که هر دو تن حق طلبید که صاحب حق را مظفر باید شمرد، اگرچه حکم به خلاف هوای او نفاذ یابد و طالب باطل را مخزول پنداشت.

۷۰. ۱۰- معنای واژه‌های کدام گروه کلمات به ترتیب تماماً درست و تماماً نادرست است؟ (آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

- الف) (هنگامه: روزگار)، (مستغنی: بی‌نیاز)
ب) (نمط: نوع)، (مندرس: کهنه)
ج) (ادبار: تیره‌بختی)، (ار تجالاً: درنگ)
د) (استرحام: رحم کردن)، (تکیده: تکیه‌داده)
- (۱) ب، ج (۲) الف، ج (۳) ب، د (۴) الف، د

پیمانه ۹

۷۱. ۱- پدیدآورندهٔ همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ... درست است. (آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

- (۱) الهی‌نامه: عطار نیشابوری
- (۲) داستان‌های صاحب‌دلان: محمد اشتهاردی
- (۳) قابوس‌نامه: عنصرالمعالی کیکاوس
- (۴) سیاست‌نامه: احمد بن زید طوسی

۷۲. ۲- در متن زیر، املائی کدام واژه نادرست است؟ (سراسری ریاضی، ۹۳)

«درویشی و فقر، اصل بلاها و زایل‌کنندهٔ زور و حمیت و مجمع شرّ و آفت است. عبارتی که توانگری را مدح است، درویشی را مذمت است. درویش اگر سخاوت ورزد به افراط و زیاده‌روی منسوب شود و اگر در اظهار حِلْم کوشد، آن را ضعف شمرند و اگر فساحت نماید، بسیارگوی باشد.»

- (۱) منسوب (۲) فساحت (۳) حمیت (۴) مذمت

۷۳. ۳- در کدام دو عبارت غلط املائی وجود دارد؟ (سراسری ریاضی، ۹۴)

- الف) بزودی بروم تا آن مخزول برانداخته آید.
- ب) وزن رباعی مألوف تباع است و متداول میان خاص و عام.
- ج) در شریعت شفقت و رأفت محظور شمردندی.
- د) و دیگر رسایل و فصول از انواع، به مطالعهٔ همه محظوظ گشتم.

- (۱) ج - د (۲) ب - د (۳) الف - ب (۴) الف - ج

۷۴. ۴- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«عافل همواره در اندیشهٔ «پیدا شدن» است و عاشق هر زمان پی «بی‌خودی» و «شیدایی». عاقلان از غرق شدن بر گریز و بر حذر، و کار و بار عاشقان، غرقهٔ دریا شدن است. راحتی عاقلان از راحتی است و رهایی از بند ننگ عاشقان. و آن که در پی نصیحت عشاق عشق است، حاصلی جز سخرهٔ سودا شدن ندارد.»

یک (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴)

۷۵. ۵- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) به نزد آن کت از عین عیان بیند نهان استی
- ۲) یقین هرچند می‌جوید گمان هرچند می‌پوید
- ۳) به چشم حق نگر گر ژرف بیند مرد دانشور
- ۴) به خاصانت بیبوندند کلام نغز من چونان

۷۶. ۶- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«یکی از خروسان، ضربتی سخت بر دیدهٔ حریف نواخت به صدمتی که «جهان تیره شد پیش آن نامدار». لاجرم سپر بیانداخت و از میدان بگریخت. لیکن خروس قالب، حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان. بر حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، مخزول و نالان استرحام می‌کرد، رحم نیاورد و آن چنان او را می‌کوفت که «بولاد کوبند آهنگران».

یک (۱) سه (۲) دو (۳) چهار (۴)

۷۷. ۷- در کدام گزینه غلط املائی به چشم می‌خورد؟

- ۱) نه مستغنی از طاعتش پشت کس
- ۲) گرت بدایع سعدی نباشد اندر بار
- ۳) تو که با جانب خصمت به ارادت نظر است
- ۴) از هر چه تو گویی به قناعت بشکیم

۷۸. ۸- در کدام عبارت، «غلط املائی یا رسم‌الخطی» وجود دارد؟

- ۱) عالمی معتبر را مناظره افتاد با یکی از ملحدان و حجت با او بس نیامد، سپر بیانداخت و برگشت.
- ۲) چندان که ملاطفت کرد و پرسیدش از کجایی، در قعر بحر مودت چنان غریق بود که مجال نفس نداشت.
- ۳) درویشی را شنیدم که در به روی جهانیان بسته و اغنیا را در چشم همت او شوکت و هیبت نمانده.
- ۴) جوانی خردمند از فنون فضایل، حظی وافر داشت و طبعی نافر؛ چندان که در محافل دانشمندان نشستی زبان سخن بیستی.

۷۹. ۹- معنای واژگان «نمط، مکاری، تقریر، بدسگال» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) روش، حيله‌گری، بیان کردن، دشمن
- ۲) نوع، کرایه‌دهندهٔ اسب و ...، توضیح دادن، بدخواه
- ۳) روش، کرایه‌دهنده یا کرایه‌کنندهٔ اسب و شتر و ...، بیان، بداندیش
- ۴) نوع، کرایه کردن، نوشتن، بدخواه

۸۰. ۱۰- معنای چند واژه، نادرست آمده است؟

زهی: آفرین، (پلاس: نوعی گلیم)، (رمه: گله)، (در حال: بی‌درنگ)، (شوخ: آلودگی)، (گسیل کردن: شکستن)، (لاجرم: ناچار)، (مألوف: دوستی)، (مندرس: آلوده)

یک (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴)

دستور

صفحه ۱۷ تا ۲۶ فارسی ۱

پیمانه ۱۱
تست ۵

پیمانه ۱۰
تست ۱۰

پیمانه‌های ۱۰ و ۱۱

۸۱. ۱- واژگان همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ... تماماً ساده هستند.

- ۱) پیکار، زمستان، پیوند، شیرین
- ۲) دبستان، خلبان، دماغه، دشوار
- ۳) زنخدا، ساریان، خاندان، اسفندیار
- ۴) ناودان، دیوانه، دستگاه، وادار

۸۲. ۲- تعداد واژه‌های «هرگب» مقابل کدام گزینه، نادرست آمده است؟

- ۱) کنار آب و پای بید و طبع شعر و یاری خوش
 - ۲) ساقی شکردهان و مطرب شیرین‌سخن
 - ۳) در عهد پادشاه خطاب‌خش جرم‌پوش
 - ۴) دوش با من گفت پنهان کاردانی تیزهوش
- معاشر دلبری شیرین و ساقی گل‌عداری خوش (یک)
هم‌نشینی نیک‌کردار و ندیمی نیک‌نام (سه)
حافظ قرابه‌کش شد و مفتی پیاله‌نوش (چهار)
وز شما پنهان نشاید کرد سر می‌فروش (دو)

۸۳- ۲- واژه «نهاد» در کدام بیت معنای متفاوت دارد؟

- (۱) به اسبان تازی و مردان مرد
- (۲) خواجه چو سرو تا نکنی پیشه راستی
- (۳) کیست آن کو با تو یا بیرون نهاد از دایره
- (۴) نخواهم به پیش تو گردن نهاد

(آزمون کانون، ۷ آبان ۹۵)

- برآر از نهاد بداندیش گرد
 نتوان نهاد در ره آزادگی قدم
 کو به کار خویش سرگردان تر از پرگار نیست
 اگر طوقم از عقد پروین کنی

۸۴- ۴- نوع زمان کدام فعل مشخص شده متفاوت است؟

- (۱) به حضرت تو، که یارد، که قصه‌ای ز من آرد؟
- (۲) اگر نسیم نماید، کسالتی به رسالت
- (۳) نسیمی از سر زلف تو می‌خرم به دو عالم
- (۴) به روز وصل خودم وعده داده بودی، سلمان

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

- به غیر باد و بر آنم که باد، نیز نیارد
 سلام من که رساند، پیام من که گذارد؟
 و گر چه خود همه عالم، نسیم زلف تو دارد
 در این هوس، همه شب‌های تیره روز شمارد

۸۵- ۵- در ساختمان کدام واژه تعداد وندها کمتر است؟

- (۱) سزاواری
- (۲) زیبا
- (۳) دانشمند
- (۴) نویسندگی

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

- ۳ دانشمند (۳) زیبا (۲) نویسندگی (۴)

۸۶- ۶- بین واژه‌های زیر، به ترتیب چند واژه وندی، چند واژه مرکب و چند واژه وندی - مرکب وجود دارد؟

- «پرتو، خواستگاری، روح‌انگیز، مشوق، پرستار، شب‌نشینی، پیرایش، سامان‌دهی، گفتار، شهیدپرور، سدسازی، خانگی»
 (۱) پنج، دو، سه (۲) پنج، سه، دو (۳) چهار، سه، سه (۴) چهار، دو، دو

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

- ۳ دانشمند (۳) زیبا (۲) نویسندگی (۴)

۸۷- ۷- تعداد واژه‌های غیرساده در کدام مصراع بیشتر است؟

- (۱) ز دیده‌ام شده یک چشمه در کنار روان
- (۲) شرمش از چشم می‌پرستان باد

(آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)

- (۲) عیبم مکن به رندی و بدنامی ای حکیم
 (۴) خلوت دل نیست جای صحبت اضداد

۸۸- ۸- در هر دو مصراع بیت گزینه ... ، گروهی با هسته و حداقل یک وابسته غیرساده (وندی، مرکب، وندی - مرکب) وجود دارد.

(آزمون کانون، ۶ بهمن ۹۶)

- (۱) خرقة، رهن خانه خمار دارد پیر ما
 (۲) سرو را باشد سماع از ناله دلسوز مرغ
 (۳) داوری پیش که شاید برد اگر بی‌موجبی
 (۴) هم مگر لطف تو گردد عذرخواه بندگان

(آزمون کانون، ۱۷ فروردین ۹۷)

۸۹- ۹- در کدام بیت واژه‌ای با ساختمان و در نقش دستوری مشخص شده وجود ندارد؟

- (۱) تو شاهدی نه غایب ازیرا خیال تو
 (۲) خونی روانه کرده‌ام از دیده وین عجب
 (۳) ذکر لب تو کرده‌ام ای دوست سال‌ها
 (۴) دانم یقین که ماهرخی قاتل من است

- از پیش خاطر نگرانم نمی‌رود (واژه وندی - مرکب در نقش صفت بیانی)
 کز حوض قالب آب روانم نمی‌رود (واژه وندی در نقش متمم)
 هرگز حلاوتش ز دهانم نمی‌رود (واژه وندی در نقش قید)
 جز بر تو ای نگار گمانم نمی‌رود (واژه وندی - مرکب در نقش نهاد)

(کتاب درسی، صفحه ۱۸)

۹۰- ۱۰- در گروه کلمات زیر، ساختمان چند واژه ساده است؟

- «بیابان، بنگاه، شادی، بازگشت، اطاعت، بیگانه، آموختن، تابستان، اندوهگین، حرمت، قبیله، ایمن»
 (۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) نه

پیمانه ۱۱

(کتاب درسی، صفحه ۱۸)

۹۱- ۱- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ... کلمات «هم‌خانواده» به کار رفته است.

- (۱) من که باشم در آن حرم که صبا
 (۲) هر راهرو که ره به حریم درش نبورد
 (۳) ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است
 (۴) کسان به چشم تو بی قیمتاند و کوچک قدر

- پرده‌دار حریم حرمت اوست
 مسکین برید وادی و ره در حرم نداشت
 به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را
 که پیش اهل بصیرت بزرگ مقدارند

(کتاب درسی، صفحه ۱۸)

۹۲- ۲- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ... «فعل امر» به کار رفته است.

- (۱) وفاداری کن و نعمت‌شناسی
 (۲) بکن نیکی و در دریاش انداز
 (۳) خدایت ناصر و دولت معین باد
 (۴) ساقی بده آن کوزه یاقوت روان را

- که بدفرجامی آرد ناسپاسی
 که روزی در کنارت آورد باز
 دعای نیک‌خواهانت قرین باد
 یاقوت چه ارزد بده آن قوت روان را

که دون همت کند منت فراموش
تو خوی خوب خویش از دست مگذار
دريا در و مرجان بود و هول و مخافت
چراغ از بهر تاریکی نگه دار

(آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)

گر ذوق نیست تو را کژ طبع جانوری
معتکف گشتند پنهان روز و شب
نوش کن از دست ساقی عرب
عرب ز نغمه شوقم هنوز بی خبر است
که او با فقر، خود را امتحان کرد

(آزمون کانون، ۵ مرداد ۹۷)

سهی قدان سیه چشم ماه سیمما را
که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را
کان جا همیشه باد به دست است دام را
او نمی دیدش و از دور خدایا می کرد

۹۳. ۲- کدام گزینه فاقد فعل «نهی» است؟

- (۱) چو خرمن برگرفتی گاو مفروش
- (۲) وگر دانی که بدخویی کند یار
- (۳) سعدی چو گرفتار شدی تن به قضا ده
- (۴) منه بر روشنایی دل به یک بار

۹۴. ۴- نقش واژه «عرب» در کدام بیت همانند نقش این واژه در بیت زیر است؟

«اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب

- (۱) جمله سوی روم رفتند از عرب
- (۲) همچو عطار این شراب صاف عشق
- (۳) نوای من به عجم آتش کهن افروخت
- (۴) عرب را حلق دلیل کاروان کرد

۹۵. ۵- در کدام گزینه فعل مضارع اخباری نمی یابید؟

- (۱) ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست
- (۲) به ملازمان سلطان که رساند این دعا را
- (۳) عنقا شکار کس نشود دام بازچین
- (۴) بیدلی در همه احوال خدا با او بود

آرایه های ادبی

صفحه ۱۷ تا ۲۶ فارسی ۱

پیمانه ۱۲
۵
تست

پیمانه ۱۲

(کتاب درسی، صفحه ۱۸)

کاین سابقه پیشین تا روز پسین باشد
گر خرابی چو مرا لطف تو آباد کند
گر امتحان بکنی می خوری و غم نخوری
کاسایشی نباشد بی دوستان بقا را

(کتاب درسی، صفحه ۱۸)

من و بازار محبت که زیانتش سود است
پیش رندان رقم سود و زیان این همه نیست
و آن یک دو روز بر سر سود و زیان شود
سودی به مساکین رسد آخر چه زیانت

(کتاب درسی، صفحه ۱۸)

من نیز دل به باد دهم هر چه باد باد
جان ما در بوتۀ سودا نهاد
صبر و آرام تواند به من مسکین داد
هم تواند کرمش داد من مسکین داد

(آزمون کانون، ۵ مرداد ۹۷)

خیال حلقه ای از گوش شاهد رعناست
دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم
قدح که دیر کهن را بسی چو تو یاد است
به تیغ مرگ شود دست من رها ای دوست

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

تـو دلالی سـوی بـازار میـرو
من هم از روی صفا کار پدر خواهم کرد
هنوز از دور گردن می کشد آهوی صحرا بی
دگر نتوان به دستان پای او بست
که چندسال به جان خدمت شعیب کند

۳) ه د، ج، الف، ب ۴) ب، الف، ه د، ج

۹۶. ۱- در همه گزینه ها به جز گزینه ... آرایه «تضاد» به کار رفته است.

- (۱) آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر
- (۲) امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند
- (۳) بیا که وضع جهان را چنان که من دیدم
- (۴) من بی تو زندگانی خود را نمی پسندم

۹۷. ۲- در کدام بیت هر دو آرایه «پارادوکس» و «تشبیه» به کار رفته است؟

- (۱) خلق و بازار جهان کیش همه سود است و زیان
- (۲) نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی
- (۳) شاید که یک دو روز دگر مانده عمر ما
- (۴) حیفاست چنین روی نگارین که بیپوشی

۹۸. ۳- در کدام گزینه جناس همسان (تام) به کار نرفته است؟

- (۱) دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد
- (۲) عشق شوری در نهاد ما نهاد
- (۳) آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد
- (۴) وان که گیسوی تو را رسم تطاول آموخت

۹۹. ۴- در کدام گزینه آرایه «مجاز» به کار نرفته است؟

- (۱) نه دایره ست ز می در میان شیشه که آن
- (۲) ما را سری است با تو که گر خلق روزگار
- (۳) سبو ز غلغل می کرده این ندا که بنوش
- (۴) اگر جهان همه دشمن شود ز دامن تو

۱۰۰. ۵- آرایه های «تلمیح، تشبیه، حسن تعلیل، ایهام، جناس» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- الف) ز بازار جهان بیزار گشتم
- ب) گندم خال وی از جنت او خواهم چید
- ج) کمند زلف در گردن گذشتی روزی از صحرا
- د) چو وحشی مرغ از دام قفس جست
- ه) شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

۱) ه ب، ج، د، الف ۲) ب، ج، الف، ه د



۱۰۱- ۱- بیت «کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام» با مفهوم کدام بیت متناسب نیست؟ (سراسری تجربی، ۸۴)

(۱) نوشته، جاودان دیگر نگردهد
(۲) ز چرخ آمد همه چیز نوشته
(۳) مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم
(۴) ز چرخ آمد قضا نز کام مردم

به‌رنج و کوشش از ما بر نگردهد
نوشته با روان ما سرشته
چرا که از همه عالم، محبت تو گزیدم
ازیرا بنده آمد نام مردم

۱۰۲- ۲- عبارت «حسودان تنگ نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند.» با همه ابیات به جز بیت ... قرابت معنایی دارد. (سراسری ریاضی- ۸۵)

(۱) بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم صحبت بد جدایی، جدایی
(۲) به هجران مرا سهل شد دادن جان / که سخت است دوری ز یاران جانی
(۳) مصاحب نباید مگر بهر راحت / و زو رنج بینی نیاید به کاری
(۴) ز ناخنس بگریز اگر آفتاب است / تو را سایه خود بس، اگر یار خواهی

۱۰۳- ۳- مفهوم بیت «شکر نعمت نعمت افزون کند / کفر نعمت، از کفت بیرون کند» با همه ابیات به جز بیت ... تناسب معنایی دارد. (سراسری ریاضی- ۸۶)

(۱) در نعمت خدای بگشاید
(۲) نعمت آن راست زیاده که همه شکر بود
(۳) بخشش خود را به شکر کس نیالاید که هست
(۴) حق نعمت شناختن در کار

شکر کن تا خدا بیفزاید
تو نه ای از در نعمت که همه کفرانی
در ره آزادمردی شکر جزوی از جزا
نعمت افزون دهد به نعمت خوار

۱۰۴- ۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟ (سراسری هنر- ۸۸)

(۱) آفتاب ار چه روشن است او را / پاره‌ای ابر ناپدید کند
(۲) منشین با بدان که صحبت بد/ گر چه پاکی تو را پلید کند
(۳) بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم صحبت بد جدایی جدایی
(۴) به دست آوردن دنیا هنر نیست/ یکی را گر توانی دل به دست آر

۱۰۵- ۵- همه ابیات به استثنای بیت به تأثیر هم‌نشین بر اخلاق انسان اشاره دارد. (سراسری تجربی- ۸۹)

(۱) آن چه عشق دوست با من می‌کند / والله ار دشمن به دشمن می‌کند
(۲) با بهان لحظه‌ای چو بشتابی / نام نیکو از او بسی یابی
(۳) صحبت نیک را ز دست مده / که مه و به شوی ز صحبت مه
(۴) هیچ صحبت مباد با عامت / که چو خود مختصر کند نامت

۱۰۶- ۶- مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (سراسری زبان- ۹۰)

(۱) مرا مگوی که سعدی طریق عشق رها کن
(۲) پند حکیم محض صواب است و عین خیر
(۳) حکایتی ز دهانت به گوش جان من آمد
(۴) من از کجا پند از کجا باده بگردان ساقیا

سخن چه فایده گفتن چو پند می‌نیوشم
فرخنده آن کسی که به سمع رضا شنید
دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم
آن جام جان‌افزای را بریز بر جان ساقیا

۱۰۷- ۷- مفهوم عبارت «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند، بی‌سر و صدا به گوشه‌ای خزید و دیگر مرد میدان نبود.» از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟ (سراسری تجربی- ۹۰)

(۱) حسد آن‌جا که آتش افروزد/ خرمن عقل و عاقبت سوزد
(۲) حسد مرد را دل به درد آورد/ میان دو آزاده گرد آورد
(۳) ز بس رنج و آفت که در زندگی است/ حسد می‌برم مردگان را به مرگ
(۴) حسد برد بدگوی در کار من/ بتر شد بر شاه بازار من

۱۰۸- ۸- مفهوم همه ابیات به استثنای ... با یکدیگر قرابت دارد. (سراسری زبان- ۹۱)

(۱) از بدان جز بدی نیاموزی / نکند گرگ پوستین‌دوزی
(۲) بشوی ای خردمند از آن دوست دست / که با دشمنان بود هم‌نشست
(۳) در گذر از کوره آهن‌گران / کائش و دودی رسد از هر کران
(۴) نخست موعظه پیر می‌فروش این است / که از مصاحب ناخنس احتراز کنید

۱۰۹- ۹- مفهوم بیت «رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز / تا داد خود از کهنتر و مهتر بستانی» با کدام بیت یکسان، است؟ (سراسری تجربی، ۹۲)

(۱) داد خود عاقبت کار ز ما بستاند
(۲) مردانه دوختیم و کس از ما نمی‌خرد
(۳) ساقی تو بده باده و مطرب تو بز رود
(۴) رو صبر و سکون پیش کن از عار میندیش

روزگار ستم‌اندیش که در کینه ماست
رو ز زاننه دوز که مردانه می‌خرند
تا می‌خورم امروز که وقت طرب ماست
بر جور فلک دل نه و آزار میندیش

۱۱۰- ۱۰- مفهوم عبارت «با صدایی که به قول معروف از ته چاه در می‌آمد با زهر خندی گفت: داد نزن من گوش استماع ندارم لمن تقول» با کدام بیت متناسب است؟ (سراسری تجربی، ۹۲)

(۱) مرد باید که گیرد اندر گوش
(۲) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیست
(۳) ذوق سماع مجلس آنست به گوش دل
(۴) گوش کن پند ای پسر وز بهر دنیا غم مخور

ور نبشته است پند بر دیوار
ای نصیحت‌گو به ترک گوی، گوی
وقتی رسد که گوش طبیعت بیاکنی
گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت گوش

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۱۱۱- ۱- کدام بیت با عبارت «بکوش تا گندم نمای جو فروش نباشی» قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور
- ۲) مباح جامه روی و ریا که جز ابلیس
- ۳) ز طاعتی که کنی بهر خلق از آن اندیش
- ۴) تخم رسوایی دهد بر، دانه تسبیح زرق

(آزمون کانون، ۷ فروردین ۹۸)

۱۱۲- ۲- مفهوم ابیات همه گزیندها یکسان است؛ به جز:

- ۱) ز بدگهر همه نیک تو بد شود لیکن
- ۲) به فعل و قول زبان یک‌نهاد باش و مباش
- ۳) قول چون خرما و همچون خار فعل
- ۴) لباس ظاهر و باطن به هم موافق کن

(آزمون کانون، ۵ بهمن ۹۷)

۱۱۳- ۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) می‌نماید تلخی بادام افزون در شکر
- ۲) به رنگ خویش کنندت بدان، نبینی آن
- ۳) حذر ز صحبت ناجنس حرز عافیت است
- ۴) بدخو شدی ز خوی بد یار بد چنانک

(آزمون کانون، ۵ بهمن ۹۷)

۱۱۴- ۴- مفهوم همه ابیات، به جز بیت ... با بیت زیر تناسب دارد.

- «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند»
- ۱) راحت و رنج حیات گذران است چو موج
 - ۲) رنج غم و شادی مبر کو مطرب و کو نوحه‌گر
 - ۳) دوام خنده شادی چو غنچه یک دهن است
 - ۴) شادی و غم هر دو را بنیاد بر باد هواست

(آزمون کانون، ۷ فروردین ۹۷)

۱۱۵- ۵- عبارات زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد به جز ...

- «با صدایی که به قول معروف، گویی از ته چاه درمی‌آمد، با زهر خندی گفت: داد زن؛ من گوش استماع ندارم، لمن تقول.»
- ۱) این نصیحت نزد تو چون ماجراست
 - ۲) «اوحدی» پند لطیف است و نصیحت، لیکن
 - ۳) از پی عشق نصیحت چه کنی خسرو را
 - ۴) نغمه عشاق را شرط است حسن استماع

(سراسری هنر، ۹۲)

۱۱۶- ۶- مفهوم کلی بیت «اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گر ذوق نیست تو را کژ طبع جانوری» با کدام بیت تناسب دارد؟

- ۱) و گرنه شدن چون بهایم (چارپایان) خموش
- ۲) سنگ باشد که دلش زنده نگردد به نسیم
- ۳) چه داند آن که اشتر می‌چرانند؟
- ۴) تو را که درد نباشد ز درد ما چه تفاوت

(سراسری ریاضی، ۹۳)

۱۱۷- ۷- در کدام ابیات مفهوم «ز هم صحبت بد جدایی جدایی» یافت می‌شود؟

- الف) آن‌چه جاهل دید خواهد عاقبت
 - ب) بر نشوی تو به جهان برین
 - ج) هر که با دیگ هم‌نشین گردد
 - د) یار ناپایدار دوست مدار
 - ه) طلب صحبت خسان نکنی
 - و) گر تو نیکی بدان کنند بدت
- ۱) الف، ب، ه، د
 - ۲) الف، ج، د، و
 - ۳) و، ه، ب، الف



۱۱۸. ۸- بیت: «کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام»، با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

(سراسری ریاضی، ۹۳)

- (۱) نیک بنگر که کجا می‌بردت گیتی
- (۲) من آن رنگین نوا مرغم که در هر گلشنی باشم
- (۳) آن که تن پوش بهارش از خز و سنجاب بود
- (۴) اهل دنیا چون مسافر خفت و خوابی دید و رفت

(سراسری هنر- ۹۴)

- (۱) چو بت پرست که در پیش بت نماز آرد
- (۲) مرد حق شو روز و شب چون رابعه
- (۳) چرا که شرم همی آیدم ز حاصل خویش
- (۴) در بیابان خیمه چون حاتم نمی‌باید زدن

۱۲۰. ۱۰- بیت «کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

(آزمون کانون، ۹۲)

- (۱) کسی که می‌نهد از حدّ خود قدم بیرون
- (۲) هر کجا تدبیر می‌چیند بساط مصلحت
- (۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است
- (۴) تا کند مرغ دلم را چون کبوتر پای‌بند



۱۲۱. ۱- همه گزینه‌ها به جز بیت گزینۀ ... با بیت «همه قبیله من عالمان دین بودند / مرا معلم عشق تو شاعری آموخت» قرابت مفهومی دارد.

(آزمون کانون، ۹۲)

- (۱) دین و ایمان چیست در سودای عشق
- (۲) گر تو را در عشق دین و دل نماند
- (۳) در بزم عشق، علم چه و معرفت کدام؟
- (۴) اگر به عاشقی اندر دراز شد غم من

۱۲۲. ۲- در کدام بیت مثلی به معنای «ظلم و ستم را بر شخص خاصی روا داشتن» آمده است؟

(آزمون کانون، ۷ آبان ۹۵)

- (۱) به هر جا برفکنده‌اند این کمند
- (۲) اگر تاج بخشی سر افرازدم
- (۳) ز جرمم در این مملکت جاه نیست
- (۴) هر زمانی در به روی ما میند

۱۲۳. ۳- کدام بیت با عبارت «... ولیکن به ایشان مولع نباش، تا همچنان که هنر ایشان بینی، عیب نیز بتوانی دید» تناسب معنایی دارد؟

(آزمون کانون، ۲۱ آبان ۹۵)

- (۱) چون غرض آمد هنر پوشیده شد
- (۲) عیب یاران و دوستان هنر است
- (۳) به منت دگران خو ممکن که در دو جهان
- (۴) عالم شهر گو مرا وعظ مگو که نشنوم

۱۲۴. ۴- کدام بیت با مصراع «من گوش استماع ندارم لمن تقول» قرابت معنایی دارد؟

(آزمون کانون، ۸ بهمن ۹۵)

- (۱) واعظ ما بوی حق نشنید بشنو کاین سخن
- (۲) رموز مستی و رندی ز من بشنو نه از واعظ
- (۳) خوش آن که در صباوت (طفولیت) قدر پدر شناخت
- (۴) اگر ز مردم هشیاری ای نصیحتگو

۱۲۵. ۵- مفهوم کدام بیت از عبارت «تا توانی از نیکی کردن میاسا» دور است؟

(کتاب درسی، صفحه ۱۷)

- (۱) یکی خوب مایه است نیکی به جای
- (۲) بد می‌کنی و نیک طمع می‌داری
- (۳) به نیکی گرای و میازار کس
- (۴) تو نیکی می‌کنی و در دجله انداز

۱۲۶. ۶- مفهوم عبارت «به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر مدار.» در کدام گزینه نیامده است؟

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) یکی بود با آشکارم نهان
(۲) هر چه گوید زبان بود بی کار
(۳) ای من غلام آن که دلش با زبان یکی است
(۴) نام زبان از چه بری سوی دل</p> | <p>(۱) همی پهلوان بودم اندر جهان
(۲) دل اگر با زبان نباشد یار
(۳) خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده‌اند
(۴) دل چو درست است زبان را بهل</p> |
|---|---|

۱۲۷. ۷- کدام گزینه با مفهوم «گندم‌نمای جو فروش مباش» قرابت مفهومی ندارد؟

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) گندم نتوان درود چون جو کاری
(۲) که در گندم جو پوسیده پوشی
(۳) همه گل صورت‌اند و پر خارند
(۴) که این جو فروش است و گندم‌نمای</p> | <p>(۱) رو رو جانا همی غلط پنداری
(۲) تو آن گندم‌نمای جو‌فروشی
(۳) همه گندم‌نمای جو دارند
(۴) به بازار گندم‌فروشان گرای</p> |
|--|--|

۱۲۸. ۸- مفهوم مقابل «به وقت نومیدی، امیدوارتر باش.» در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|--|---|
| <p>(۱) پایان شب سیه سپید است
(۲) کند راه رهایی را فراموش
(۳) رجایشه ناچار دلت کشید
(۴) نه هر که رفت رسید و نه هر که کشت درود</p> | <p>(۱) در ناامیدی بسی امید است
(۲) چو گیرد ناامیدی مرد را گوش
(۳) کسی یافت عزت که بگسست امید
(۴) مرا وصال نباید همان امید خوش است</p> |
|--|---|

۱۲۹. ۹- مفهوم جمله «پیران قبیلۀ خویش را حرمت دار.» در کدام بیت آمده است؟

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) بود حرمت هر کس از خویشان
(۲) پیش از تو خلق بوده و بعد از تو بوده‌اند
(۳) که نیست در سر من جز هوای خدمت او
(۴) که هرگز نیاید ز پرورده غدر</p> | <p>(۱) چه نیکو زده است این مثل برهمن
(۲) بشنو که من نصیحت پیران شنیده‌ام
(۳) به جان پیر خرابات و حق صحبت او
(۴) قدیمان خود را بیفزای قدر</p> |
|---|--|

۱۳۰. ۱۰- مفهوم عبارت «به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو.» در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) که بفزاید ز شادی زندگانی
(۲) چه نازی به گنج و چه نالی ز رنج
(۳) گر نالیدم ز ناله کارم نگشود
(۴) که زیر رنج بود گنج‌های پنهانی</p> | <p>(۱) به شادی دار دل را تا توانی
(۲) چه بندی دل اندر سراسرای سپنج
(۳) گر خندیدم ز خنده‌ام دل نگشاد
(۴) نالم از غم هجرت چو وصل حاصل اوست</p> |
|--|--|

۱۳۱. ۱- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری
(۱) تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکوکاری به مردم نمای.
(۲) هر که داد از خویشان بدهد، از داور مستغنی باشد.
(۳) بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی.
(۴) به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو.»

۱۳۲. ۲- مفهوم بیت زیر، از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- «اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب
(۱) تا جلوه کرد لیلی محمل‌نشین من
(۲) نه مطرب که آواز پای ستور
(۳) بانگ حدی بشنو و صوت درای
(۴) زند به نغمۀ داوود طعنه صوت و صدایش

۱۳۳. ۳- مفهوم همه ابیات یکسان است به جز:

- | | |
|--|--|
| <p>به گیتی ره و رسم صحبت نوزد
که زان صحبت رسی هر دم به محنت
صحبت ناخنس را باشد ثمر آزارها
در صحبت او عمر نفرسای به</p> | <p>(۱) کسی کش خرد رهنمون است هرگز
(۲) مکن با اهل چهل ای یار صحبت
(۳) آب چون در روغن افتد ناله خیزد از چراغ
(۴) دوری ز کسی کز او نیاسایی به</p> |
|--|--|





۱۳۴. ۴- بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «گبوتری که دگر آشیان نخواهد دید
- (۱) در شبستان رضا تیغ زبان شکوه نیست
- (۲) نیست امید صلاحی ز فساد حافظ
- (۳) قضا روزگاری ز من در ربود
- (۴) به دست حیلت و افسون سپر نشاید ساخت

(سراسری خارج از کشور، ۹۶)

قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام»
 شمع ناحق کشته را خشنود می‌دانیم ما
 چون که تقدیر چنین است چه تدبیر کنم
 که هر روزی از وی شب قدر بود
 بر آن رمیده که تیر قضا همی آید

۱۳۵. ۵- مفهوم بیت زیر، از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- «دمی آب خوردن پس از بدسگال
- (۱) از دست تو مشت بر دهان خوردن
- (۲) خوشا وقت مجموع آن کس که اوست
- (۳) کسی را که دانی که خصم تو اوست
- (۴) گر خویش دشمن، شهود دوستدار

(سراسری ریاضی، ۹۶)

به از عمر هفتاد و هشتاد سال»
 خوشتر که به دست خویش نان خوردن
 پس از مرگ دشمن در آغوش دوست
 نه از عقل باشد گرفتن به دوست
 ز تلبیسه ایمن مشو زینهار



پیمانه‌ی ۱۷ - ویژه‌ی برترها

صفحه ۱۰ تا ۲۶ فارسی ۱

۱۳۶. ۱- چند تا از واژه‌ههٔ زیر نادرست معنا شده است؟

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

(فرج: گشایش)، (ورطه: نظیر)، (یله: رها)، (اوان: وقت)، (تکریم: گرامیداشت)، (پلاس: جامه‌ای کم‌ارزش)، (دانگ: یک ششم چیزی)، (دوات: مرگ‌دان)، (مفتاح: کلید)، (لهو: جوانی)

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

۱۳۷. ۲- واژه‌های «زهردر، ورطه، بدسگال، طَرَب» به ترتیب چه معنایی دارند؟

(آزمون کانون، ۱۹ آبان ۹۶)

- (۱) ترسناک، مهلکه، بداندیش، شادی
- (۲) ترسناک، هلاکت، بداندیش، شاد
- (۳) ترس، زمین پست، بدخواه، شادمانی
- (۴) ترس، بی‌فایده، بدخواه، مسرور

۱۳۸. ۳- چند واژه از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

(آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)

(عیال: زن و فرزندان)، (بیغوله: مردم نادان)، (مرمت: اصلاح و رسیدگی)، (فرج: گشایش)، (پلاس: نوعی گلیم کم‌بها)، (حُجَب: باحیا)، (منگر: ناپسند)، (ادبار: خوشبختی)

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

۱۳۹. ۴- واژهٔ «راست» در کدام بیت واژه‌های متفاوت است؟

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

- (۱) راست گفتمی که فرج یابی اگر صبر کنی
- (۲) هزار گونه غم از چپ و راست دامن گیر
- (۳) راست خواهی تو مرا شیفته می‌گردانی
- (۴) اگر راست بود آن چه پنداشتم

۱۴۰. ۵- کدام بیت غلط املایی دارد؟

(آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)

- (۱) طامات و شطح در ره آهنگ چنگ نه
- (۲) ساقی چو شاه نوش کند بادهٔ صبح
- (۳) صوفی گلی بچین و مرقع به خار بخش
- (۴) ای آن که ره به مشرب مقصود برده‌ای

۱۴۱. ۶- در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

- (۱) گفتم عشقت غرابت و خویش من است
- (۲) خصم سرکش شود از راه تحمّل مقلوب
- (۳) رو مسخره‌گی پیشه کن و مطربی آموز
- (۴) مکن به لهو و لعب صرف، نوجوانی را